

## بازنگری و برازش مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

سمانه فایض \*

ابوالحسن فقیهی \*\*

سعید صیاد شیرکش \*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش بازنگری و برازش مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران می‌باشد. تحقیق حاضر از بعد مخاطب و استفاده کننده، بنیادی و از منظر هدف اکتشافی و از بعد زمانی در دسته تحقیقات مقطعی قرار می‌گیرد. گردآوری داده‌ها نیز به صورت کمی است. جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت و روایی صوری و محتوایی ابزار گردآوری تایید شد. و از تکنیک آزمون نسبت، تحلیل عاملی تاییدی و روش معادلات ساختاری-تفسیری، اعتبارسنجی داده‌ها تحلیل گردید. پرسشنامه توسط ۲۶۰ نفر از مدیران ارشد و میانی صنایع پایین دستی نفت ایران تکمیل شده و جهت طراحی و بازنگری مدل مشارکت دولتی-خصوصی از روش مدلسازی ساختاری-تفسیری (ISM) و سپس با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی نیز برازش (اعتبارسنجی) مدل تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد مدل از برازش مطلوب برخوردار است، همچنین با استفاده از همین ابزار بار عاملی هر یک از عوامل و میزان تاثیر هر یک از متغیرها تعیین گردید.

**واژگان کلیدی:** مشارکت دولتی-خصوصی، صنایع پایین دستی نفت ایران-تکنیک حداقل مربعات جزئی

---

\* دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\*\* استاد مدیریت دولتی دانشگاه علامه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

\*\*\* استاد گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال شانزدهم، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۲۷-۱

## مقدمه

از مهم ترین عوامل دستیابی به هدف رشد اقتصادی بالا، تامین زیرساخت های مورد نیاز و ایجاد بستر لازم در جهت انجام سرمایه گذاری های مولد است. با توجه به محدودیت های منابع کشور و به خصوص صنعت نفت ایران، ضرورت دارد با مدیریت کارآمد و استفاده صحیح از توان بخش های مختلف با مشارکت بخش دولتی - خصوصی در تامین مالی گام موثر برداشته شود تا این راهبرد موجب تقویت و ارتباط مناسبی بین نهادهای موثر و بازیگران اصلی حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی باشد. (نوبخت، ۱۳۹۸)

مبحث مشارکت بخش دولتی و خصوصی (PPP<sup>۱</sup>) در صنایع کشور و به ویژه در صنعت نفت ایران یکی از مهم ترین معضلات کشور طی دو دهه اخیر بوده است. به طوریکه روند واگذاری به بخش خصوصی در صنعت نفت ایران، انتقادات گسترده ای نیز به دنبال داشته و برخی معتقدند که واگذاری به بخش خصوصی و مشارکت آن در صنعت نفت به طور مطلوب اجرا نشده است. با توجه به اینکه صنعت نفت یکی از صنایع مهم جهانی است و در تعامل با اقتصاد جهانی قرار دارد، وجود قدرت رقابت پذیری صنایع داخلی در عرصه بین المللی بسیار حائز اهمیت می باشد. (باچیلر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷)

صنعت نفت ایران از دو بخش تشکیل شده است: صنایع بالادستی و صنایع پایین دستی. صنایع بالادستی در قانون نفت سال ۱۳۹۰، به کلیه فعالیت های مرتبط به مطالعات، اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره برداری، صیانت از منابع، انتقال، ذخیره سازی، صادرات و هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی کشور گردد، تعریف شده است. صنایع پایین دستی در صنعت نفت ایران به فعالیت های تصفیه نفت خام، فروش و توزیع گاز طبیعی و محصولات مشتق از نفت خام اطلاق می شود که در حوزه نظارت شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و شرکت ملی پتروشیمی ایران می باشد. در سیر تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی در کشور شاهد بوده ایم در حرکت خصوصی سازی دور دوم، اینگونه نتیجه گیری شد که به دلیل وجود موانع حقوقی در قانون اساسی، قوانین توسعه و قوانین عادی در زمینه سرمایه گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت، سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش پایین دستی صنعت نفت ایران راحت تر و دارای موانع

قانونی کمتری می‌باشد و تنها بخش‌های پایین دستی صنعت نفت را می‌توان با مشارکت بخش خصوصی اداره کرد (کاتب، ۱۳۹۶).

در زمینه مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنعت نفت ایران تاکنون تعدادی کارگروه تخصصی در دو بخش فنی و مهندسی و اقتصاد و مدیریت تشکیل شده و ۸۰ نفر از مدیران ارشد صنایع پایین دستی از جمله صنعت حفاری در آن حضور داشته اند. مهم‌ترین اهداف این کارگروه‌ها، چگونگی تعاملات و مشارکت بین بخش خصوصی و بخش دولتی است که در این راستا تلاش برای ایجاد فضای مناسب برای بحث و تبادل نظر متخصصان و اندیشمندان این حوزه، یافتن راهکارهای علمی و عملی برای رفع مشکلات موجود، معرفی و بومی سازی فناوری‌های نوین صورت گرفته است. لذا با توجه به پژوهشی که در گذشته در راستای ارائه مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران صورت گرفت (فقیهی و فایض، ۱۳۹۹) و تعدادی مولفه اصلی و فرعی استخراج و مدل اولیه ارائه گردید، در این مقاله به دنبال بازنگری و اعتبارسنجی مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران هستیم.

## ادبیات تحقیق

تعاریف متعددی از مشارکت بخش خصوصی-دولتی وجود دارد، به اعتقاد دمیراگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۷) مشارکت بخش خصوصی - دولتی، مدلی است که در سطح بین‌المللی برای دولت‌ها به منظور فراهم کردن خدمات مبتنی بر زیرساخت با به کارگیری منابع بخش خصوصی در برابر منابع بخش دولتی، ایجاد شده است. به نظر نیسار<sup>۴</sup> (2016) مشارکت بخش خصوصی - دولتی، مهارت و تخصص بخش خصوصی را، به منظور ارائه خدمات و کالاهای عمومی به خدمت می‌گیرد.

با بررسی مطالعات انجام شده در داخل کشور، در راستای شناسایی عوامل موثر جهت مشارکت بخش دولتی و خصوصی، برخی از پژوهشگرها به عواملی از قبیل: کمبود منابع دولتی، مشکلات زیرساختی بخش دولتی، توانایی بخش خصوصی در اجرا و بهره برداری، انگیزه دولت جهت کاهش حجم کار خود، میزان اعتماد دولت به بخش خصوصی اشاره می‌کنند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۷)، در مقابل عده دیگری از نویسندگان

عواملی چون: شرایط سیاسی (سیاست‌های حاکمیتی)، ایجاد یک محیط قانونی به منظور تشویق مشارکت بخش خصوصی، حمایت استراتژی‌ها و خط‌مشی‌های دولتی و خصوصی (شرایط قانونی) را حائز اهمیت می‌دانند (جرجرزاده و کی منصور، ۱۳۹۵). برخی دیگر از پژوهشگران نیز عوامل برنامه ریزی مشارکتی هدفمند جهت مشارکت بین دو بخش، نظارت مشارکت محور، سرمایه اجتماعی، تعامل فراگیر، را به عنوان عوامل موثر جهت مشارکت بخش دولتی و خصوصی ذکر می‌کنند (موسوی شیرازی، ۱۳۹۶). در راستای ارائه روش مناسب جهت مشارکت بخش دولتی و خصوصی نیز پژوهش‌های متعددی مورد مطالعه قرار گرفت که عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که قراردادهای ساخت، عملیات و انتقال<sup>۵</sup> BOT و قراردادهای واگذاری<sup>۶</sup> BOO از جمله روش‌های مناسب می‌باشند. (جیحون تبارو همکاران، ۱۳۹۷) و برخی دیگر نیز تاثیر فرهنگ و تدوین خط‌مشی‌ها و برنامه جامع کلی بلند مدت برای نیل به توسعه پایدار را نیز در جهت انتخاب روش مناسب مشارکت بخش دولتی و خصوصی مهم و موثر معرفی می‌کنند. (کریم زاده و والی پور، ۱۳۹۷)

در بررسی مطالعات انجام شده در خارج از کشور نیز نتایجی حاصل گردید: برخی از پژوهشگران معتقدند در پروژه‌های زیربنایی، مشارکت بخش دولتی - خصوصی منجر به افزایش ارزش اقتصادی زیرساخت‌ها می‌شود (سیو<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) و برخی دیگر، بر این نظرند که مشارکت دولتی - خصوصی به افزایش اعتماد، مهارت‌های مدیریتی و همکاری در پروژه‌های مشترک می‌انجامد (ریچر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶). در زمینه موانع و چالش‌های مشارکت دولتی - خصوصی نیز پژوهشگرها، عواملی چون: نبود چارچوب قانونی مشخص، دشواری در تامین مالی، عدم مقبولیت عمومی و ظرفیت و مهارت پایین بخش دولتی (گریمزی و لوییس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷)، نبود نهادهای مالی قدرتمند و خط‌مشی دولت در تامین زیرساخت‌ها، فساد در بخش دولتی، عدم وجود یک قرارداد شفاف، کمبود افراد متخصص و حرفه‌ای در راهبردگذاری (یومار و خمیدی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۶)، ریسک‌های مالی و سیاسی، شرایط نامساعد اقتصادی و تجاری، هزینه معاملاتی بالا و تاخیر طولانی بین طراحی زیرساخت و بهره برداری از خدمات آن (لیو و ویلکینسون<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷) را موثر می‌دانند.

درباره طرح و ارائه مدل مشارکت دولتی - خصوصی، به عواملی چون: هزینه،

کیفیت، انعطاف پذیری، پیچیدگی (مک کی و ادوارد<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۶)، شفافیت قرارداد و قوانین (زارکو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۸)، و شفافیت و کیفیت مذاکره بین بخش دولتی و خصوصی (اسکلچر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۷) اشاره می‌کنند.

مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که الگوی مطلوب مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران کدام است؟

### چارچوب نظری تحقیق

اداره امور عمومی دارای یک پیشینه طولانی است که به موازات مفاهیم تمدن و دولت ظهور یافته است. در حقیقت، نظام‌های کهن اداره، شخصی بودند؛ یعنی به جای قانونی بودن و وفادار بودن به جامعه و مردم، به فردی خاص مانند پادشاه یا وزیر وفادار بودند. اقدامات گذشته اغلب با فساد و سوء استفاده از اداره برای عواید شخصی همراه بود. (هیوز<sup>۱۵</sup>، ۱۳۸۴).

هر چند الگوی سنتی اداره در حال حاضر، به دلیل ویژگی‌های بوروکراسی، در شرایطی خاص، ناکارآمد است، ولی باید به خاطر داشته باشیم که به کارگیری این الگو به نوبه خود در مقایسه با شکل‌های اختیار مبتنی بر کاریزما و سنت، یک پیشرفت محسوب می‌شد. شاید بتوان سرآغاز پارادایم (الگوی) سنتی اداره امور را به جوامع اروپای غربی اواسط قرن نوزدهم نسبت داد. پارادایم سنتی اداره عمومی دارای دو پایه نظری اصلی است. پایه اول، نظریه سیاست - اداره ویلسون و پایه دوم، مدل آرمانی بوروکراسی وبر است. با توجه به انتقادهای موجود به الگوی سنتی اداره عمومی، مدیریت دولتی نوین پا به عرصه وجود گذاشت. اگر چه مدیریت دولتی نوین (NPM) در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد میلادی شکل گرفت و چندان نوین هم به شمار نمی‌رود اما کماکان در فرایند تکامل تئوری مدیریت دولتی جایگاه درخور توجهی یافت. در بحث پیرامون مدیریت دولتی نوین باید تا حدی جانب دقت و احتیاط گرفت زیرا این نهضت در معرض دامنه وسیعی از تعابیر و تفاسیر واقع شده و برخی مدعی‌اند که اداره امور عمومی نوین در پی راهکاری جامع برای الگوهای موجود تحقیق و تعلیم در مدیریت دولتی است و نوعی پارادایم در مدیریت دولتی محسوب می‌شود. (دنهارت، ۱۳۸۲). . نهضت اداره امور عمومی نوین با وارد ساختن انتقاداتی به الگوی سنتی اداره امور

عمومی در مقابل این الگو ظهور یافت. از تقابل الگوی سنتی اداره امور عمومی و اداره امور عمومی نوین، پنج شبهه پارادایم (الگوی اداره) منشعب شدند که با توجه به موضوع پژوهش به توضیح مختصر دو پارادایم مرتبط بسنده می‌کنیم.

#### الف) شبهه پارادایم مدیریت دولتی نوین (New Public Management)

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوائل دهه ۱۹۸۰ شبهه پارادایم (الگوی) جدیدی از مدیریت دولتی در اکثر کشورهای پیشرفته ظهور کرد که پولیت<sup>۱۶</sup> آن را مدیریت‌گرایی و روزنبلوم<sup>۱۷</sup> آن را مدیریت دولتی مبتنی بر بازار می‌نامند. علیرغم این نام‌های متفاوت، تمامی این واژه‌ها، اسم‌هایی برای یک مسمی هستند و آن تلاش جهت تحقق ارزش‌های صرفه‌جویی، کارآیی و اثربخشی در کلیه سطوح دولت؛ تمرکز بر ستاده‌ها به جای داده‌ها؛ تدوین روشن اهداف فردی و سازمانی و ارزیابی سیستماتیک عملکرد؛ فاصله گرفتن از بوروکراسی و انعطاف پذیر کردن سازمان‌ها، ترجیح ساز و کارهای بازار به سازوکارهای بوروکراتیک؛ خصوصی‌سازی، استفاده از پیمانکاری؛ افزایش رقابت میان ارائه‌کنندگان خدمات؛ کاهش اندازه، مقیاس و دامنه فعالیت‌های دولت و ... است که به طور کلی می‌توان آن را ضد دولت‌گرایی نامید. بدون شک علت اصلی این تغییرات، ناکارآمدی شبهه پارادایم سنتی اداره امور عمومی در شرایط سخت مالی دولت‌ها و منافع مترتب بر مدیریت دولتی نوین و بهبود کارآیی بود. ویژگی مهم شبهه پارادایم مدیریت دولتی نوین جلب مشارکت شهروندان در انجام امور و سپردن کارها به دست آنان بود. ساختار و تشکیلات گسترده دولتی نمی‌توانست به بهره‌وری بالایی دست یابد مگر آن‌که بخش‌های عملیاتی و اجرایی خود را به دست شهروندان می‌سپرد و تنها نظارت و سیاست‌گذاری را و اعمال حاکمیت را در دست می‌گرفت. خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و کاهش قوانین دست و پاگیر، جلوه‌های اصلی این شبهه پارادایم است که جملگی تمایل به سوی الگوهای مدیریت بخش خصوصی را نشان می‌دهد (وارث، ۱۳۸۰).

#### ب) شبهه پارادایم بازآفرینی دولت (دولت کارآفرین)<sup>۱۸</sup>.

اوزبورن و گیبلر<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۲) زمانی کتاب بازآفرینی دولت را در آمریکا منتشر کردند که نارضایتی مردم از دولت و سازمان‌های دولتی این کشور به اوج خود رسیده و زمزمه‌های

دولت زدایی بالا گرفته بود. لذا این دو تلاش کردند تا با ارائه نگرشی نو از دولت، راه حلی برای این معضل در کشورشان بیابند. به همین دلیل آنها ده اصل را برای دولت کارآفرین که بعضاً به آن دولت خوب یا دولت کارساز نیز گویند، قائل شدند. برخی از کشورها پس از ایالات متحده آمریکا این شبه پارادایم را در جامعه خود به کار گرفتند. در ادامه ده اصل برای متحول کردن بخش دولتی به عنوان مبنای دولت خوب یا کارآفرین توضیح داده می‌شود:

اصل اول، نظارت کنید نه اجرا؛ نقش دولت باید در راستای تنظیم جهت‌گیری‌ها، تدوین خط‌مشی‌ها، توزیع منابع و ارزیابی پیامدها باشد، و از دخالت مستقیم در تامین خدمات رسانی اجتناب کند. اصل دوم، تقویت تشکل‌های مردمی و محلی برای حل مشکلات خود، به جای صرف ارائه خدمات است. اصل سوم، به جای انحصار، رقابت را افزایش داده و تشویق کنند مانند دعوت از شرکت‌های خصوصی برای رقابت با یکدیگر به منظور تامین خدمت عمومی. اصل چهارم، بر اساس رسالت‌ها، نه قوانین و مقررات عمل کنید. دولت‌های کارآفرین بر این نکته تاکید دارند که کارکنان خود را از قید قوانین و مقررات زاید و دست و پا گیر آزاد سازد تا آن‌ها بتوانند با خلاقیت و انعطاف هر چه بیشتر، رسالت‌های کلان خود را تعقیب کنند. اصل پنجم، با سرمایه‌گذاری روی نتایج و پیامدها، به جای درون‌داد-گرایی، برون‌داد-گرا باشید. اصل ششم، به جای تامین نیازهای بوروکراسی، بکوشید تامین نیازهای مشتریان را در اولویت قرار دهید. اصل هفتم، به جای فقط خرج کردن پول، بر کسب درآمد تاکید کنید. اصل هشتم، به جای حل بحران‌ها، برای پیشگیری از بروز مشکلات سرمایه‌گذاری کنید. اصل نهم، عدم تمرکز اختیارات در عوض سلسله مراتب و در نهایت اصل دهم، به جای تاکید بر طراحی و اجرای متمرکز، از بخش‌های غیر دولتی استفاده کنید. (منوریان، ۱۳۷۹)

### روش تحقیق

با توجه به هدف اصلی این تحقیق مبنی بر بازنگری و اعتبارسنجی مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران از رویکرد کمی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مدیران شاغل در صنایع پایین دستی نفت ایران، در دو سطح ارشد و میانی به تعداد ۸۰۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران

حجم نمونه برابر ۲۶۰ نفر شد. بنابراین نمونه‌ای به حجم ۲۶۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. مشخصات جمعیت‌شناسی نمونه‌ها (جدول ۱) و لیست مدیران شاغل در صنایع پائین دستی نفت در (جدول ۲) نشان داده شده است.

جدول ۱- مشخصات جمعیت‌شناسی نمونه‌های پژوهش

ویژگی‌ها	جنسیت		سن			تحصیلات			سابقه کاری		
	مرد	زن	کمتر از ۲۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ سال به بالاتر	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	کمتر از ده سال	۱۰ تا ۱۵ سال	بیش از ۱۵ سال
فراوانی	۱۹۴	۶۶	۳۹	۹۴	۱۲۷	۶۵	۱۶۷	۲۸	۳۲	۸۷	۸۰
درصد	%۷۵	%۲۵	%۱۵	%۳۶	%۴۹	%۲۵	%۶۴	%۱۱	%۱۲	%۳۳	%۳۳

جدول ۲- لیست مدیران شاغل در صنایع پایین دستی نفت ایران

ردیف	صنایع پایین دستی نفت ایران	مدیران شاغل		نمونه‌های اخذ شده	
		ارشد	میانی	ارشد	میانی
۱	هلدینگ خلیج فارس	۲۵	۳۵	۱۰	۱۵
۲	بندر امام	۳۰	۳۰	۱۰	۱۰
۳	اروند	۲۷	۳۳	۹	۱۲
۴	رهاوران فنون جنوب	۲۵	۳۰	۱۱	۸
۵	عملیات غیرصنعتی پتروشیمی	۲۸	۳۲	۱۵	۱۰
۶	پتروشیمی فجر	۲۷	۳۳	۱۰	۱۱
۷	پتروشیمی تندگویان	۳۵	۲۵	۱۰	۱۳
۸	پتروشیمی بوعلی	۲۸	۳۲	۵	۱۰
۹	پتروشیمی نوری	۲۵	۳۵	۱۰	۱۱
۱۰	پتروشیمی پارس	۳۰	۳۰	۱۰	۵
۱۱	پتروشیمی مبین	۲۵	۳۵	۹	۸
۱۲	عملیات غیرصنعتی بازارگاد	۲۰	۴۰	۶	۳
۱۳	پتروشیمی خوزستان	۳۵	۲۵	۶	۳
۱۴	پتروشیمی جم	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
مجموع		۸۰۰		۲۶۰	



در این تحقیق داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دلفی، پرسشنامه مدلسازی ساختاری-تفسیری و پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شدند. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری<sup>۲۰</sup> و محتوایی<sup>۲۱</sup> و برای بررسی پایایی از پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

همانطور که پیشتر اشاره شد نویسندگان در پژوهشی با عنوان "ارائه الگوی مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران" (فقیهی و فیض، ۱۳۹۹) با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۵ خبره و تکنیک تحلیل تم، الگوی اولیه مشارکت دولتی-خصوصی را ارائه نمودند. در تحقیق حاضر، نویسندگان کوشیده اند به بازنگری و برازش مدل اولیه مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران که پژوهشی کیفی بوده است بپردازند. به منظور سنجش روایی سازه مدل طراحی شده برای عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت دولتی-خصوصی از روش معادلات ساختاری استفاده شد و از طریق پرسشنامه محقق ساخت، وضعیت ایده آل که برگرفته از نظرات خبرگان و مرور ادبیات بود الگوی مشارکت دولتی-خصوصی، مورد سنجش کمی قرار دهند.

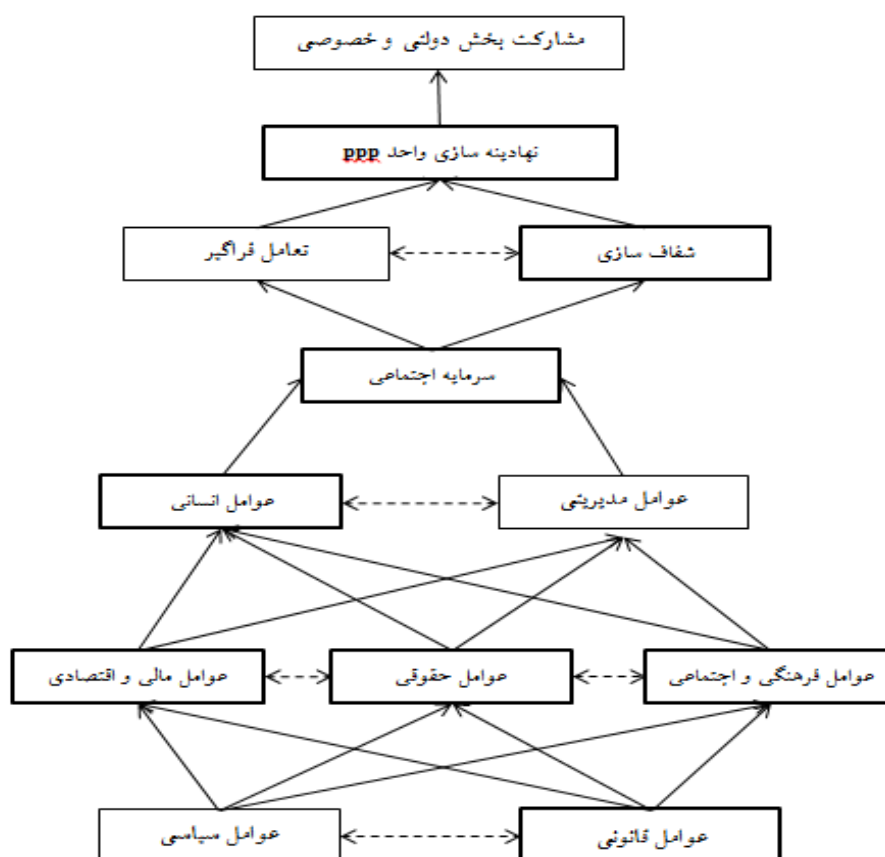
برای طراحی و بازنگری مدل مشارکت دولتی-خصوصی از روش مدلسازی ساختاری-تفسیری (ISM) استفاده شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از سازه‌های متفاوت در قالب یک مدل نظام‌مند و جامع، ساختاردهی می‌شوند. در واقع با استفاده از این روش تاثیر یک سازه بر سایر سازه‌ها بررسی شده و روابط سازه‌ها شناسایی می‌شود و مدلی ساختاری-تفسیری از سازه‌ها ارائه می‌گردد و در نهایت سازه‌ها براساس قدرت نفوذ و میزان وابستگی طبقه‌بندی می‌شوند. سازه‌های مورد بررسی جهت ارائه مدل اولیه مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران عبارتند از: مشارکت بخش دولتی و خصوصی (POP)، سرمایه اجتماعی (SC)، نهادینه‌سازی واحد (PPP)، عوامل مدیریتی (MF)، عوامل قانونی (RF)، عوامل فرهنگی (CF)، عوامل سیاسی (PF)، شفاف‌سازی (TP)، عوامل حقوقی (LF)، عوامل انسانی (HF)، عوامل مالی (FF)، تعامل فراگیر (TT). بدین منظور در گام نخست، ماتریس خودتعاملی ساختاری تشکیل شد و

در مرحله بعداز تشکیل ماتریس دستیابی، ماتریس دو ارزشی صفر و یک بدست آمد. پس از تهیه ماتریس دسترسی اولیه و وارد نمودن تعمیم‌پذیری<sup>۲۲</sup> در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی بدست آمد. از نتایج این ماتریس برای تعیین روابط و سطح بندی معیارها استفاده شد. (اصغریور، ۱۳۹۲). نتایج حاصله در جدول شماره ۳ ارائه گردید. بنابراین براساس نتایج مدل سازی ساختاری-تفسیری، متغیر مشارکت دولتی-خصوصی (POP) عنصر سطح نخست می‌باشد و یک متغیر وابسته است. متغیر نهادینه سازی واحد PPP در سطح دوم است. متغیرهای شفاف سازی (TP) و تعامل فراگیر (TT) در سطح سوم قرار دارند. متغیر سرمایه اجتماعی (SC) در سطح چهارم می‌باشد. متغیرهای عوامل انسانی (HF) و عوامل مدیریتی (MF) در سطح پنجم قرار دارند. متغیرهای عوامل فرهنگی (CF)، عوامل حقوقی (LF) و عوامل مالی (FF) در سطح ششم و در نهایت عوامل قانونی (RF) و عوامل سیاسی (PF) زیربنایی ترین عناصر مدل می‌باشند. الگوی نهائی سطوح متغیرهای شناسائی شده در شکل ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۳. تعیین سطح متغیرهای مشارکت دولتی و خصوصی

متغیرها	خروجی: اثرگذاری	ورودی: اثرپذیری	اشتراک
POP	POP	POP, SC, PPP, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	POP
SC	POP, SC, PPP, TP	SC, MF, RF, CF, PF, LF, HF, FF	SC
PPP	POP, PPP	SC, PPP, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	PPP
MF	POP, SC, PPP, MF, TP, HF	MF, RF, CF, PF, LF, HF, FF	MF, HF
RF	POP, SC, PPP, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	RF, PF	RF, PF
CF	POP, SC, PPP, MF, CF, TP, LF, HF, FF	RF, CF, PF, LF, FF	CF, LF, FF
PF	POP, SC, PPP, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	RF, PF	RF, PF
TP	POP, PPP, TP	SC, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	TP
LF	POP, SC, PPP, MF, CF, TP, LF, HF, FF	RF, CF, PF, LF, FF	CF, LF, FF
HF	POP, SC, PPP, MF, TP, HF	MF, RF, CF, PF, LF, HF, FF	MF, HF
FF	POP, SC, PPP, MF, CF, TP, LF, HF, FF	RF, CF, PF, LF, FF	CF, LF, FF
TT	POP, PPP, TP	SC, MF, RF, CF, PF, TP, LF, HF, FF	TP

در این جدول فقط روابط معنادار عناصر هر سطح بر عناصر سطح زیرین و همچنین روابط درونی معنادار عناصر هر سطر در نظر گرفته شده است.

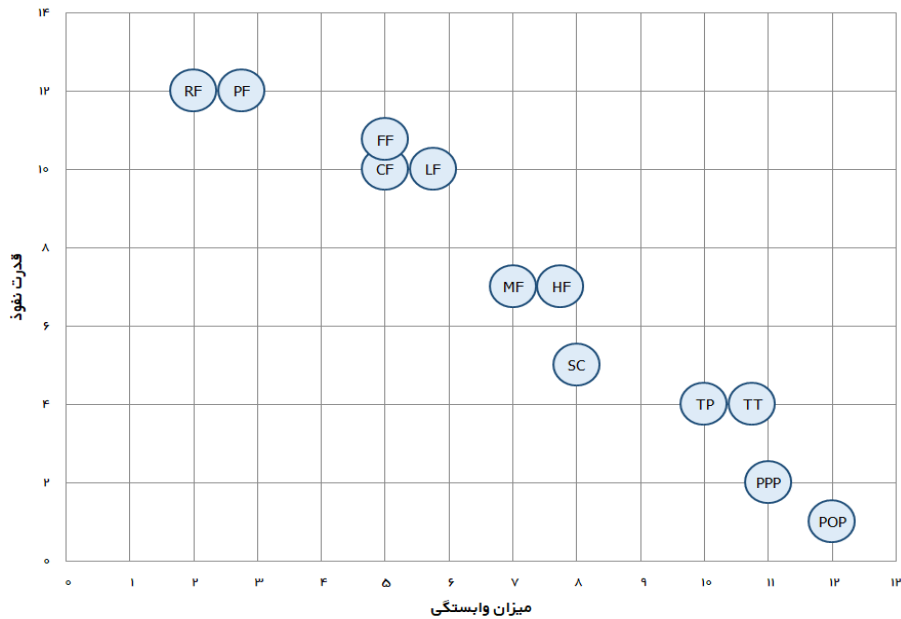


شکل ۲. الگوی مطلوب مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران

### تحلیل قدرت نفوذ-وابستگی (نمودار MICMAC)

در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم گیری به وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در

ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. نمودار قدرت-وابستگی برای متغیرهای مورد مطالعه در شکل ۳ را نشان می‌دهد.



شکل ۳. نمودار قدرت نفوذ و میزان وابستگی (خروجی میک-مک)

بر اساس قدرت وابستگی و نفوذ متغیرها، می‌توان دستگاه مختصاتی تعریف کرد و آن را به چهار قسمت مساوی تقسیم نمود. در این پژوهش، گروهی از متغیرها در زیرگروه محرک قرار گرفتند، این متغیرها قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کمی دارند. در دسته بعدی متغیرهای وابسته قرار دارند که به گونه‌ای نتایج فرایند توسعه محصول اند و کمتر می‌توانند زمینه ساز متغیرهای دیگر شوند.

بر اساس نمودار قدرت نفوذ-وابستگی، عوامل قانونی (RF) و عوامل سیاسی (PF) قدرت نفوذ بالایی داشته و تاثیرپذیری کمی دارند و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفته است. متغیرهای شفاف‌سازی (TP)، تعامل فراگیر (TT)، سرمایه اجتماعی (SC)، عوامل انسانی (HF)، عوامل مدیریتی (MF)، عوامل فرهنگی (CF)، عوامل حقوقی (LF) و عوامل مالی (FF) نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند بنابراین متغیرهای

وابسته محسوب می‌شوند. هیچ متغیری نیز در ربع اول یعنی ناحیه خودمختار قرار نگرفته است.

### اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی

برای اعتبارسنجی مدل از تکنیک حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. به طور کلی روابط بین متغیرها در تکنیک حداقل مربعات جزئی دو دسته است:  
مدل بیرونی<sup>۲۳</sup>: روابط بین متغیرهای پنهان با متغیرهای آشکار را نشان می‌دهد.  
مدل درونی<sup>۲۴</sup>: روابط بین متغیرهای پنهان با یکدیگر را بررسی می‌کند (آذر و بیات، ۱۳۸۷).

### مدل بیرونی (اندازه‌گیری)

مدل بیرونی نشان می‌دهد گویه‌هایی که برای سنجش هر یک از عوامل اصلی در نظر گرفته شده است از اعتبار کافی برخوردار است. قدرت رابطه بین عامل‌ها (متغیرهای پنهان) و گویه‌ها (متغیرهای قابل مشاهده) به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. محاسبات نشان داد که مقدار بارعاملی در تمامی موارد از ۰/۵ بزرگتر است بنابراین گویه‌ها نقش مهمی در تبیین هریک از عوامل دارند. آماره تی نیز در تمامی موارد از ۱/۹۶ بیشتر بدست آمده است بنابراین بارهای عاملی مشاهده شده از نظر آماری معنادار هستند.

### ارزیابی اعتبار مدل بیرونی

برای ارزیابی اعتبار مدل بیرونی از سه شاخص روایی همگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شده است. همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود مقادیر محاسبه شده روایی همگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ سازه‌های مورد نظر از مقبولیت لازم و خوبی برخوردار است.

جدول ۴. اعتبار درونی سازه‌های مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران

سازه‌های اصلی	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
عوامل سیاسی	۰/۷۳۹	۰/۸۹۴	۰/۸۲۴
تعامل فراگیر	۰/۵۵۳	۰/۸۲۱	۰/۷۲۵
سرمایه اجتماعی	۱	۱	۱
شفاف سازی	۰/۶۲۶	۰/۸۶۳	۰/۷۷۹
عوامل انسانی	۰/۸۱۲	۰/۹۲۹	۰/۸۸۵
عوامل حقوقی	۱	۱	۱
عوامل فرهنگی و اجتماعی	۱	۱	۱
عوامل قانونی	۰/۷۶۱	۰/۹۴۱	۰/۹۲۱
عوامل مالی و اقتصادی	۰/۵۶۱	۰/۸۹۷	۰/۸۶۵
عوامل مدیریتی	۰/۷۵۰	۰/۹۳۷	۰/۹۱۶
مشارکت دولتی-خصوصی	۰/۹۲۴	۰/۹۶۱	۰/۹۱۸
نهادینه سازی واحد	۰/۶۷۳	۰/۸۰۳	۰/۷۲۴

#### مدل درونی پژوهش (آزمون فرضیه‌ها)

رابطه متغیرهای مورد بررسی در هر یک از فرضیه‌های پژوهش براساس یک ساختار علی با تکنیک حداقل مربعات جزئی PLS آزمون و مدل کلی پژوهش در شکل ۴ نمایش داده شده است. در این مدل که خروجی نرم افزار Smart PLS است. خلاصه نتایج مربوط به بار عاملی استاندارد متغیرها ارائه شده است. آماره  $t$  و مقدار بوت استرپینگ برای سنجش معناداری روابط نیز در شکل ۱ و ۵ پیوست آمده است. بار عاملی استاندارد تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته به همراه آماره  $t$  و نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	آماره t	بارعاملی	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تایید	۳/۸۳۱	۰/۳۳۳	عوامل فرهنگی و اجتماعی	عوامل قانونی
تایید	۳/۸۶۷	۰/۳۴۷	عوامل حقوقی	عوامل قانونی
تایید	۲/۹۹۷	۰/۳۲۴	عوامل مالی و اقتصادی	عوامل قانونی
تایید	۵/۷۵۷	۰/۴۷۹	عوامل فرهنگی و اجتماعی	عوامل سیاسی
تایید	۵/۴۴۵	۰/۴۶۴	عوامل حقوقی	عوامل سیاسی
تایید	۳/۳۷۰	۰/۳۹۰	عوامل مالی و اقتصادی	عوامل سیاسی
تایید	۲/۸۳۳	۰/۲۹۳	عوامل مدیریتی	عوامل فرهنگی و اجتماعی
تایید	۳/۵۳۸	۰/۳۶۰	عوامل مدیریتی	عوامل حقوقی
تایید	۵/۵۳۶	۰/۴۶۱	عوامل مدیریتی	عوامل مالی و اقتصادی
تایید	۳/۹۱۲	۰/۳۸۲	عوامل انسانی	عوامل فرهنگی و اجتماعی
تایید	۳/۲۳۹	۰/۳۲۷	عوامل انسانی	عوامل حقوقی
تایید	۳/۷۳۲	۰/۳۵۴	عوامل انسانی	عوامل مالی و اقتصادی
تایید	۳/۸۱۲	۰/۳۸۸	سرمایه اجتماعی	عوامل مدیریتی
تایید	۸/۴۰۸	۰/۶۱۱	سرمایه اجتماعی	عوامل انسانی
تایید	۷/۸۲۰	۰/۵۹۸	شفاف سازی	سرمایه اجتماعی
تایید	۷/۹۲۵	۰/۵۸۴	تعامل فراگیر	سرمایه اجتماعی
تایید	۷/۶۶۱	۰/۶۸۵	نهادینه سازی واحد PPP	شفاف سازی
تایید	۳/۷۲۰	۰/۳۸۳	نهادینه سازی واحد PPP	تعامل فراگیر
تایید	۹/۵۷۶	۰/۶۸۵	مشارکت بخش دولتی و خصوصی	نهادینه سازی واحد PPP

در نهایت، برازش مدل بیرونی مورد بررسی قرار گرفت. بخش ساختاری مدل بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به پرسش‌ها و متغیرهای آشکار مدل کاری ندارد و تنها به متغیرهای پنهان و روابط میان آن‌ها توجه می‌کند. در این پژوهش برای برازش مدل ساختاری از شاخص‌های ضریب تعیین ( $R^2$ )، استون-گیزر ( $Q^2$ ) و شاخص نیکویی برازش (GOF) استفاده شد.

ضریب تعیین ( $R^2$ ) معیاری است که بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار  $R^2$  تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر صفر است. هرچه مقدار

$R^2$  مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار ضریب تعیین تعریف کرده است. معیار استون-گیزر<sup>۲۵</sup> یا شاخص  $Q^2$  نیز قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. بلایند فولدینگ یک تکنیک استفاده مجدد از نمونه است. این تکنیک امکان محاسبه شاخص استون-گیزر ( $Q^2$ ) را فراهم می‌کند. شاخص استون-گیزر معیاری برای ارزیابی روایی متقاطع در مدل حداقل مجذورات جزئی است. شاخص ضریب تعیین ( $R^2$ ) دقت پیش‌بینی را مشخص می‌کند و شاخص ( $Q^2$ ) رابطه‌مند بودن پیش‌بینی را تعیین می‌کند. چنانچه مقدار شاخص استون-گیزر مثبت باشد روایی پیش‌بینی مورد تایید است (امانی و همکاران، ۱۳۹۱). مدل‌هایی که برازش بخش ساختاری قابل‌قبولی دارند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنا که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها می‌توانند به‌قدر کافی بر شاخص‌های یکدیگر تأثیر گذاشته و از این راه، فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. برای محاسبه مقدار  $Q^2$  در نرم‌افزار PLS از تکنیک بلایند فولدینگ<sup>۲۶</sup> استفاده می‌شود. با استفاده از این تکنیک دو شاخص روایی متقاطع افزونگی و روایی متقاطع اشتراکی بدست می‌آید که مقادیر آن‌ها در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. مقادیر روایی متقاطع افزونگی و اشتراکی

سازه‌های اصلی	ضریب تشخیص	روایی متقاطع اشتراکی	روایی متقاطع افزونگی
عوامل سیاسی	-	۰/۳۸۶	۰/۳۵۰
عامل فراگیر	۰/۳۴۱	۰/۲۰۰	۰/۱۶۴
سرمایه اجتماعی	۰/۳۰۵	۰/۶۴۷	۰/۶۱۱
شفاف سازی	۰/۳۵۸	۰/۲۷۳	۰/۲۳۷
عوامل انسانی	۰/۴۴۶	۰/۴۵۹	۰/۴۲۳
عوامل حقوقی	۰/۳۴۸	۰/۶۴۷	۰/۶۱۱
عوامل فرهنگی و اجتماعی	۰/۳۵۲	۰/۶۴۷	۰/۶۱۱
عوامل قانونی	-	۰/۴۰۸	۰/۳۷۲
عوامل مالی و اقتصادی	۰/۴۶۴	۰/۲۰۸	۰/۱۷۲
عوامل مدیریتی	۰/۵۴۸	۰/۳۹۷	۰/۳۶۱
مشارکت بخش دولتی و خصوصی	۰/۴۶۹	۰/۵۷۱	۰/۵۳۵
نهادینه سازی واحد PPP	۰/۷۲۴	۰/۳۲۰	۰/۲۸۴



اما مهمترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی شاخص GOF است.

$$GOF = \sqrt[2]{0.430 \times 0.353} = 0.390$$

بر اساس فرمول بالا شاخص نکویی- برازش برابر ۰/۳۹۰ بدست آمده است؛ بنابراین مدل از برازش مطلوبی نیز برخوردار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش جهت بازنگری و اعتبارسنجی مدل مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران و بر اساس مولفه‌های بدست آمده در پژوهش گذشته، برخی از معیارها، حذف و مابقی معیارها اعتبارسنجی شده و در مراحل بعدی پژوهش جهت تدوین الگوی مشارکت دولتی-خصوصی به کار گرفته شدند. نرم‌افزار مورد استفاده در این روش، MATLAB می‌باشد. سپس، از تکنیک مدلسازی ساختاری-تفسیری جهت طراحی الگوی روابط معیارها استفاده شد. در این مرحله با استفاده از نرم افزار MICMAC الگویی از روابط میان معیارهای حاصل از تحلیل کیفی پژوهش حاصل شد و در نهایت نیز، جهت اعتبارسنجی مدل پژوهش از تکنیک حداقل مربعات جزئی و از نرم‌افزار SMART PLS استفاده شده است.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش که برخاسته از تحلیل مضمون مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان در صنایع پایین دستی نفت ایران است منجر به شکل‌گیری الگوی مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران گردید لذا در این بخش به ارائه نتایج و پیشنهادهای برگرفته از این خروجی‌ها می‌پردازیم.

همانگونه که در مدل ملاحظه می‌شود عوامل سیاسی و قانونی اثرگذارترین عوامل شناسایی شده در مشارکت دولتی-خصوصی می‌باشند. این عوامل به طور مستقیم بر مولفه‌های سطح ششم یعنی عوامل فرهنگی، حقوقی، مالی و اقتصادی اثر گذارده و موجب اثرگذاری متقابل بر دو عامل مدیریتی و انسانی شده و این دو عامل نیز منجر به سرمایه اجتماعی می‌شود. از طریق سرمایه اجتماعی، دستیابی به تعامل پایدار و شفاف سازی میسر می‌گردد و در نهایت عوامل مذکور منجر به نهادینه سازی واحد مشارکت دولتی-خصوصی می‌شوند.

عوامل سیاسی در ایجاد مشارکت دولتی-خصوصی بسیار حائز اهمیت است، به گونه‌ای که یکی از صاحب نظران معتقد است که مشارکت سیاسی بخش دولتی و خصوصی و همسویی سیاسی این دو بخش چارچوبی فراهم میکند که به وسیله آن سیاست‌های متخذه در بالادست به درستی اجرا گردد و با ارایه صحیح سیاست‌ها توسط بخش خصوصی، اهداف سیاسی بخش دولتی نیز فراهم می‌گردد (زارکو<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۸). در راستای مشارکت سیاسی و تعامل سیاسی دو بخش دولتی و خصوصی بایستی طبق دستورالعمل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، دستورالعمل‌ها به صورت شفاف تدوین گردند (نوبخت، ۱۳۹۸).

از این رو صنعت نفت ایران می‌بایست نسبت به شفاف‌سازی نقش مشارکت سیاسی و نحوه عملکرد بین دو بخش دولتی و خصوصی تدابیری نوین اتخاذ کنند. مشارکت سیاسی هرگز نمی‌بایست به سطح بخش دولتی خلاصه گردد بلکه لازم است مکانیزم‌های واقعی جهت دخالت بخش خصوصی از طریق بکارگیری ابزارهای مشارکتی فراهم آید تا بخش خصوصی نیز به طور واقعی در تدوین سیاست‌ها و رقم زدن آینده خود دخیل شوند.

قوانین موجود نیز می‌تواند در مشارکت دولتی-خصوصی نقش آفرینی کند. یکی از اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور بهره‌وری منابع مالی و انسانی در بخش دولتی و خصوصی است بنابراین با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی کشور نسبت به واگذاری به بخش خصوصی و تاکید برنامه‌های پنج ساله توسعه به برنامه‌های بخش خصوصی، تدوین قانونی جهت افزایش بهره‌وری بین بخش دولتی و خصوصی حائز اهمیت می‌باشد. (سهیلی، ۱۳۹۷) می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که با تمرکز بر اصل ۴۴ قانون اساسی و ضرورت مشارکت بخش خصوصی با بخش دولتی نیازمند تدوین قانون جامع در راستای افزایش بهره‌وری مشارکت بین دو بخش هستیم.

در سالهای اخیر ظرفیت‌های قانونی مختلفی در راستای توسعه مشارکت دولتی-خصوصی وضع شده است مانند برنامه ششم توسعه کشور، قانون اصلاح الگوی مصرف، قانون احداث پروژه‌های زیرساختی (رئیس‌نیار، ۱۳۹۶). منتها قوانین موجود تمامی ظرفیت‌ها و سازوکارهای لازم برای قراردادهای مشارکت دولتی-خصوصی را ندارند. (مانند نبود چارچوب تضامین طرفین، نبود سازوکار حمایت مالی و ...) بر این

اساس لازم است تمهیدات لازم در لایحه مشارکت دولتی-خصوصی پیش بینی گردد اما فرآیند بررسی و تصویب آن طولانی است لذا به عنوان راهکار کوتاه مدت مجوزها و اختیاراتی به بخش دولتی داده شده است تا با تدوین دستورالعمل‌ها و ایجاد تبصره‌هایی بتوانند مسیر را برای توسعه هر چه بیشتر مشارکت بخش خصوصی با بخش دولتی هموار سازد. (نوبخت، ۱۳۹۸).

عوامل فرهنگی یکی دیگر از عوامل حائز اهمیت در مشارکت دولتی-خصوصی است. حیدری کرد زنگنه (۱۳۸۶) در کتاب مهندسی فرهنگ خصوصی سازی به فرهنگ سازی در بخش خصوصی اشاره میکند. وی بسترسازی فرهنگی برای اجرای سیاست‌های خصوصی و مشارکت بخش دولتی-خصوصی را امری ضروری و مهم قلمداد می‌کند و معتقد است فرهنگ سازی منجر به ایجاد احساس امنیت و تعلق خاطر به سرمایه گذاری می‌شود. از این رو می‌توان اذعان داشت صنایع پایین دستی نفت ایران فرآیند شناسایی و نحوه فراخوان پروژه‌های بخش خصوصی که در قالب مشارکت دولتی-خصوصی اجرا می‌گردند را تهیه نماید و بازدید از پروژه‌های بخش خصوصی نیز در راستای فرهنگ سازی در راس کار خود قرار دهند.

عوامل حقوقی نیز در تعیین مشارکت دولتی-خصوصی نقش بسزایی دارد. ارتباط قراردادهای مشارکت دولتی-خصوصی با حقوق عمومی، اجازه اعمال برخی از قواعد عمومی حقوق خصوصی قراردادها مانند اصل آزادی قراردادی، قلمرو گسترده فسخ قرارداد و ... را نمی‌دهد. (شهینیایی، ۱۳۹۹) لذا با توجه به امکان تبیین قواعد و استانداردهای قراردادهای مشارکت دولتی-خصوصی در قالب شرایط استاندارد قرارداد و درج کردن تمامی مبانی حقوق عمومی قرارداد در شرایط عمومی موجود یک رابطه قراردادی و توافقی متضمن مبانی قانونی شده و باعث نزدیک شدن و انطباق عملی احکام قانونی مشارکت دولتی-خصوصی خواهد شد.

عوامل اقتصادی نیز در مشارکت دولتی-خصوصی نقش آفرین است. با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، نیاز به توسعه پروژه‌های بزرگ زیرساختی و همچنین محدودیت‌های منابع بودجه‌ای دولت‌ها، اجرایی شدن مشارکت دولتی-خصوصی در توسعه اقتصادی و واگذاری خدمات دولتی و جذاب نمودن بحث مالی در بخش خصوصی ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مهم ترین عوامل موثر بر رشد اقتصادی، توسعه

بازارهای مالی و افزایش سرمایه گذاری است (حافظی نیا، ۱۳۹۳). در کشورهای در حال توسعه، به دلیل نقایص و کمبودهای بازار سرمایه، گسترش نیافتن بازار سهام و موسسات اقتصادی، امکان تامین منابع از این طریق وجود نداشته و هزینه بالای تامین سرمایه برای بخش خصوصی جهت مشارکت با بخش دولتی و همچنین تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی، دست به دست هم می‌دهند تا سهم بالایی از منابع برای سرمایه گذاری از طریق بازار پول و اعتبارات بانکی تهیه شوند. بنابراین تامین مالی از طریق تسهیلات بانکی بسیار مهم و ضروری است که لازم است این تسهیلات در اختیار بخش خصوصی نیز به سهولت قرار گیرد. در خصوص طرح توجیهی اقتصادی یا امکان‌سنجی مالی نیز معمولاً به سرمایه‌گذاران، جهت تامین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری ارائه می‌شود تا بر اساس برنامه زمان‌بندی و منابع مورد نیاز و بررسی درآمدها و شرایط بازگشت سرمایه، سرمایه‌گذار را متقاعد سازد که در پروژه سودآوری مشارکت کند. بنابراین این امکان‌سنجی و طرح توجیهی می‌تواند به بخش خصوصی جهت مشارکت با بخش دولتی کمک کند.

عوامل مدیریتی نیز در تغییر وضعیت مشارکت دولتی-خصوصی موثر است. یکی از عوامل علی و کلیدی در راستای مشارکت بخش خصوصی و دولتی، عزم مدیران در واگذاری به بخش خصوصی و استقلال در تصمیم‌گیری و تنظیم قراردادهای مشارکت بخش دولتی و خصوصی است. در واقع بخش دولتی به جای مالکیت بهتر است مدیریت را به بخش خصوصی واگذار کند. مهارت ایجاد ارتباط موثر و کارآمد یکی از مهم‌ترین مهارت‌های لازم برای هر مدیر به خصوص مدیران بخش خصوصی است (سعیدی، ۱۳۹۱). بنابراین یکی از توانمندی‌های مهارتی که برای مدیران این بخش‌ها لازم است فراگیری و کسب مهارت مذاکره است.

عوامل انسانی نیز در تغییر وضعیت مشارکت دولتی-خصوصی موثرند. کارایی هر بخش (دولتی یا خصوصی) وابسته به منابع انسانی است و چنانچه به کارگیری نیروی انسانی بر اساس رابطه بازی و حمایت دوستان و آشنایان باشد کارایی سیستم هر بخش کاهش می‌یابد. بخش دولتی و بخش خصوصی نیازمند سیستم‌های شایسته سالارانه هستند (اسکلچر<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۷). در حال حاضر شاهد چالش نحوه به کارگیری نیروی انسانی در بخش‌های خصوصی و دولتی هستیم. در واقع استفاده ناکافی از روش‌های هوشمند و

مدرن در تامین نیروی انسانی موجب ایجاد مشکل در توسعه بخش‌ها می‌شود. برای اصلاح ساختار منابع انسانی لازم است مدیران بخش خصوصی و دولتی با دقت نظر در انتخاب کارشناسان و مدیران متعهد و با تجربه که واجد شایستگی نگرشی و دانشی هستند، اقدام نمایند.

تقویت عوامل سرمایه اجتماعی نیز نقش بسزایی در مشارکت دولتی-خصوصی ایفا می‌کند. ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت بخش عمومی-خصوصی ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها است (نصرآبادی، ۱۳۹۴). افزایش آگاهی فردی و جمعی، مشارکت ارادی، بسیج منابع، خدمت صادقانه از جمله آثار و پیامدهای همبستگی اجتماعی و مشارکت بخش دولتی و خصوصی است. در این راستا می‌توان اینگونه بیان نمود که امنیت شغلی و سرمایه گذاری در بخش خصوصی جهت مشارکت با بخش دولتی خود می‌تواند منجر به خدمت صادقانه و ایجاد احساس مشترک بین بخش دولتی و خصوصی گردد.

مؤلفه تعامل پایدار نیز نظیر سایر عوامل، نقش مهمی در مشارکت دولتی-خصوصی دارد. برای تحقق افزایش تولید در کشور و در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی بایستی اعتماد بخش خصوصی و دولتی نسبت به یکدیگر افزایش پیدا کند و همکاری و تعامل و هم افزایی این دو بخش در توسعه و بهبود مشارکت بخش دولتی-خصوصی بسیار نقش بسزایی دارد. بنابراین می‌توان اینگونه گفت در صورتی که بخش دولتی بخواهد شفافیت، کیفیت و اثرگذاری سیاست‌های خود را ارتقاء دهد و در نتیجه مشروعیت خود را تقویت کند، بخش خصوصی باید با بخش دولتی تعامل و مشارکت داشته باشد.

تقویت مؤلفه شفاف‌سازی در مشارکت دولتی-خصوصی حائز اهمیت است. شفافیت در وضع قوانین جهت مشارکت بخش دولتی و خصوصی کافی نیست بلکه بایستی فرآیند مشارکت بخش دولتی-خصوصی نیز با توجه به اهداف و سیاست‌های بالادستی نیز شفاف گردد. جهت مشارکت بخش دولتی و خصوصی یکی از اقدامات ضروری بخش دولتی انتخاب بخش خصوصی در راستای اجرای اهداف و سیاست‌های خود است. انتخاب سرمایه گذار یا بخش خصوصی بایستی طبق دستورالعمل‌ها و در چارچوب قانونی مشخص و شفاف صورت پذیرد تا بخش خصوصی و دولتی بتوانند در اجرای امور

به صورت اثربخش با یکدیگر مشارکت داشته باشند. در نهایت می‌توان ادعان داشت که نهادهای سازنده و مشارکت دولتی-خصوصی که محصول برهم کنش متقابل میان عوامل یاد شده است، وابسته‌ترین مؤلفه در الگو محسوب می‌شود. جهت ارائه طرح‌ها و ایده‌ها و جلسات طوفان مغزی در راستای حل چالش‌ها و موانع موجود در برگزاری مناقصات و واگذاری‌ها به بخش خصوصی، تنظیم قراردادهای مشارکت دولتی-خصوصی همواره لازم است که یک واحد مشارکت بخش دولتی و خصوصی در صنایع به صورت فعال دایر باشد و با تشکیل اتاق‌های فکر در راستای اهداف عمل کنند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Public- Private partnership
2. Bachiller
- 3.. Demurrage
- 4.. Neisure
۵. BOT در این نوع قرارداد، بخش خصوصی ضمن بررسی‌های فنی- اقتصادی پروژه، طی قراردادی با دولت، اجرا و بهره برداری از آن را طی یک مدت زمان معین متقبل شده و پس از برگشت سرمایه هزینه شده، آن را به دولت باز می‌گرداند.
۶. BOO یعنی احداث، مالکیت مقید پروژه در طول مدت قرارداد و حق راه اندازی در خلال مرحله واگذاری.
7. Cuiv
8. Richer
9. Gerimzi&Luwiss
10. Yumar&Khomeidi
11. Live&Vilkinson
12. Mac Key &Edward
13. Zarco
14. Skelchere
15. Hughes
16. Pollitt
17. Rosenbloom
18. Entrepreneurial Government
19. Osborne&Gaebler
20. Faced Validity
21. Content Validity
22. Transitivity
23. Outer Model
24. Inner Model
25. Stone-Geisser
26. Blindfolding
27. Zarco
28. Skelcher

### منابع

- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۹۲). *تصمیم‌گیری‌های چند معیاره*. دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- امانی، جواد؛ هیمن خضری، آذر؛ و محمودی، حجت (۱۳۹۱). *معرفی مدل یابی معادلات ساختاری به*

- روش حداقل مجذورات جزئی (PLS-PM) و کاربرد آن در پژوهش‌های رفتاری. *برخط دانش روان شناختی*، ۱-۴۱.
- آذر، عادل؛ و بیات، کریم (۱۳۸۷). طراحی مدل فرآیند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM). *مدیریت فناوری اطلاعات* ۱-۳۰.
- بابایی، محمد؛ سهیلی، علی (۱۳۹۷)، انتخاب روش مناسب مشارکت خصوصی دولتی به منظور تامین مالی پروژه‌های بخش انرژی نمونه موردی: نیروگاه حرارتی، دوازدهمین همایش بین‌المللی انرژی، تهران، کمیته ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران و دبیرخانه همایش بین‌المللی انرژی.
- جرجرزاده، علیرضا و یاسین کی منصور (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر خصوصی سازی بر رشد تولید در صنایع ایران، ششمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی - سازمان مدیریت صنعتی تبریز.
- جیحون تبار، فوزیه (۱۳۹۷)، بررسی خصوصی سازی در برنامه‌های توسعه با رویکردی نهادی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظی، رضا، (۱۳۹۳)، بررسی نقش سیستم بانکی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، فصلنامه روند، دوره ۲۱، شماره ۶۸.
- حیدری کرد زنگنه، غلامرضا؛ زهره عالی پور (۱۳۸۶)، مهندسی فرهنگ خصوصی سازی، انتشارات پندار پارس، چاپ اول، ۶-۴۰.
- دنهارت، رابرت (۱۳۸۲). *تئوریهای سازمان دولتی*، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، انتشارات صفار، چاپ دوم، تهران
- رئیس‌نیار، مازیار؛ رئیس‌نیار، مازیار و فواد مکوندی، (۱۳۹۶)، مطالعه ی اثر خصوصی سازی بر روشنی اهداف و نقش کارکنان در شرکت ملی حفاری ایران، *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی*، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.
- سعیدی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، بررسی ضرورت به کارگیری روش‌های مشارکت عمومی- خصوصی در توسعه پروژه‌های معدنی ایران، *اولین کنفرانس قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی*، با تاکید بر سیستم‌های اجرا، تهران.
- سهیلی، علی (۱۳۹۷)، بررسی موانع خصوصی سازی در ایران، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع*، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی.
- شهنیایی، زهرا (۱۳۹۹)، جایگاه قراردادهای مربوط به مشارکت دولتی-خصوصی در حقوق ایران، *چهارمین همایش بین‌المللی حقوق*، تهران.
- فایض، سمانه؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۹)، ارائه الگوی مشارکت دولتی-خصوصی در صنایع پایین دستی نفت ایران، *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های مدیریت عمومی، زاهدان*، دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- کاتب، احسان (۱۳۹۶)، بررسی موانع خصوصی سازی در صنایع پایین دستی شرکت ملی نفت ایران

مطالعه موردی شرکت صنایع ملی پتروشیمی، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی.

کریم زاده، محمودرضا والی پور، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر فرهنگ در انتخاب روش حل اختلاف در قراردادهای مشارکت بخش خصوصی و دولتی، دومین همایش ملی مهندسی عمران و توسعه پایدار، استهبان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان.

منوریان، عباس (۱۳۷۹). از دولت خوب تا حکومتمداری خوب، فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۴۸ و ۴۹، تهران

موسوی شیرازی، آرتا؛ میرزازادگان، محسن و علی اصغر حسینی، (۱۳۹۶)، چالش‌های خصوصی سازی در ایران، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی.

نصرآبادی، علی باقر. (۱۳۹۴)، همبستگی اجتماعی و مشارکت دولتی، فصلنامه علمی-ترویجی حصون، دوره هشتم، شماره ۶.

نویخت، محمدباقر. (۱۳۹۸). توسعه مشارکت بخش دولتی با بخش خصوصی برای اتمام پروژه‌ها تهران. انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

وارث، سید حامد (۱۳۸۰). "نگرش فرایارادایی به مدیریت دولتی"، فصلنامه دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵، تهران

هیوز، آون (۱۳۸۴)، ترجمه الوانی، سیدمهدی، خلیلی شورینی، سهراب، معمارزاده طهران، غلامرضا، مدیریت دولتی نوین، انتشارات مروارید. چاپ ششم، تهران

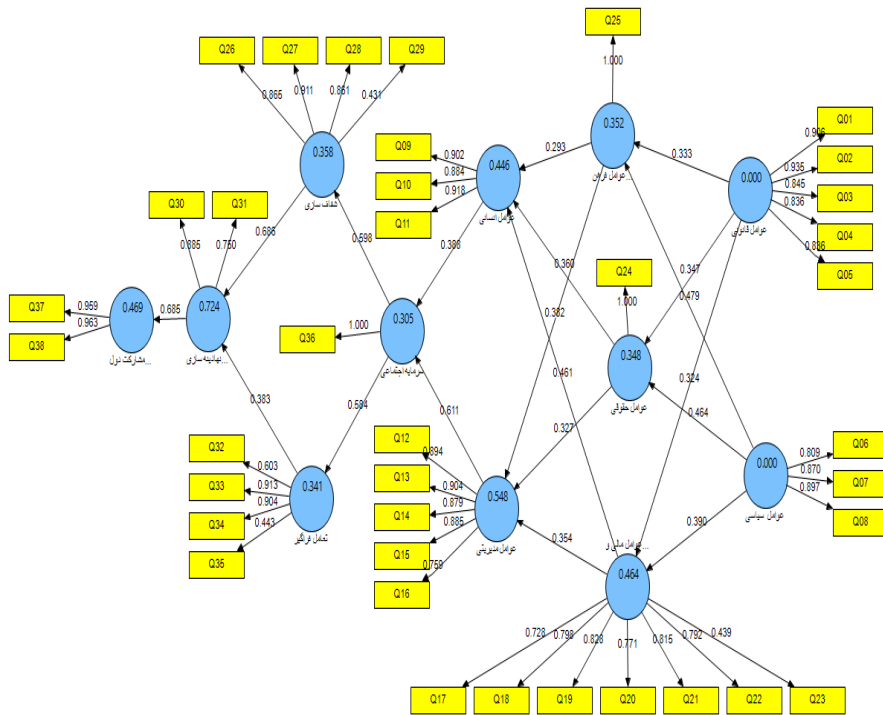
- Bachiller, P. (2017). A meta-analysis of the impact of privatization on Firm performance. *Management Decision*, 55 (1), 178-202.
- Cuiv, I. (2018), Public sector restructuring and regulation of industrial relations: the three decade project of privatization, liberalization and marketization in *Royal Mail. Industrial Relations Journal*, 48(4), 294-309
- Demurrage, A. (2017). *Public-private partnership (ppp)* " (Advocates for International Development. A4ID.)
- Gerimzi, A, Luviss, M. (2017). *How To Attain Value for Money: Comparing PPP and Traditional Infrastructure Public Procurement*. Organization for Economic Cooperation and Development. 2295.
- Hughes, J. (۲۰۱۶), *Public-Private partnership: Lessons from Korea on Institutional Arrangements and Performance*. KDI School of Public Policy and Management & Ministry of Strategy and Finance (MOSF), Republic of Korea.
- Live, D, Vilkinson, F. (۲۰۱۷). *Public-Private Partnership and Urban Governance: Coordinates and Policy issues*. In E. Birch & S. Wachter (Eds.), *Global urbanization*
- Mac key, J., Edward. (2016), *Are Rushed Privatizations Substandard? Analyzing Firm- Level Privatization under Fiscal Pressure*. No 11517, IZA Discussion Papers from Institute for Study of Labor.



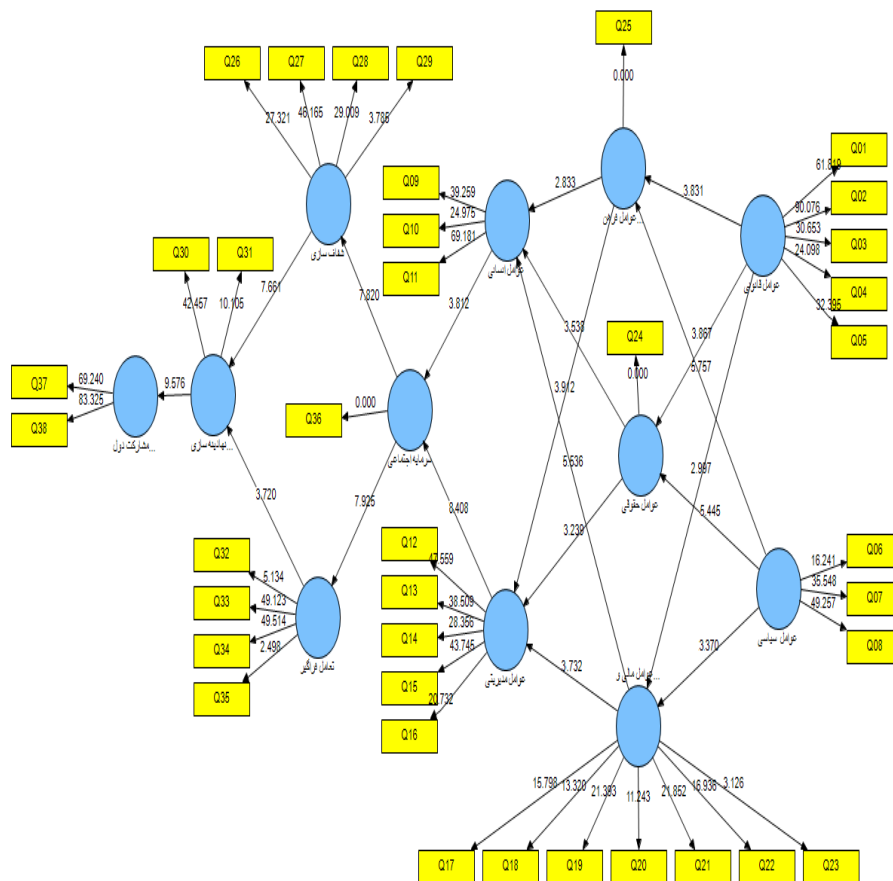
- Neisure, A. (2016), *a. National public private partnership Guidelines public sector Comparator Guidance*, 66-47
- Osborn, D., Gaebler, T. (1992). *Reinventing Government*, penguin, group.
- Pollitt, C. (1990). *Managerialism and the Public services: The Anglo-American experience* (oxford: Basil Blackwell)
- Richer, A.R. (2016). *Ousing Private Public Partnership: Perspective from the government agencies. 4th NAPREC Conference. Bangi.*
- Rosenbloom, D. (1991). *Public Administration: Underastanding Management Politics low in the public.*
- Skelchere, M. (201۷). *Effects of the institutional environment on Public- Private Partnership (P3) Projects: Evidence from Canada. Accounting Forum. 95-77.*
- Yumar, A., Aydos, H., Khomeidi, S. (2016). *Public Private partnership for Highway Infrastructure: Capitalizing on International Experience. International Technology Scanning Program.*
- Zarco, P. (2018). *Privatization and wage inequality in developing countries. International Review of Economics & Finance.*

پیوست:

شکل ۱- خروجی اعتبارسنجی مدل با روش حداقل مربعات جزئی:



شکل ۲- معناداری روابط متغیرها با روش حداقل مربعات جزئی (بوتاستراییپینگ)



## **Reviewing and fitting the model of public-private partnership in the downstream Iranian oil industries**

**Samane Fayez<sup>1</sup>**

**Abolhassan Faghihi\*<sup>2</sup>**

**Saeed sayad shirkosh<sup>3</sup>**

### **Abstract**

The purpose of this study is to review and fit the public-private partnership model in the downstream Iranian oil industry. The present research from the audience dimension is basic, from the goal perspective is exploratory and from the dimension is cross-sectional. Data collected through a researcher-made questionnaire. Formal and content validity of the questionnaire were checked and it was completed by 260 middle and senior managers of downstream Iranian oil industries. The data validation was analyzed using the ratio test technique, confirmatory factor analysis and structural-interpretive equations method. To design and review the public-private partnership model, we used structural-interpretive modeling (ISM) method and the partial least squares technique to attest the statistical model. The results show that the model has a good fit. Also, using the same tool, the factor load of each factor and the impact of each variable were determined.

**Keywords:** Public-Private Partnership, Downstream Iranian Oil Industries, partial least squares (PLS).

---

1. PHD Student, Department of public Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

2. Professor, Department of public Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.( Corresponding author).Email: A.faghihi@srbiau.ac.ir

3. Assistance Professor, , Department of public Management, Islamic Azad University, Central Branch, Tehran, Iran.